



بررسی اهمیت و جایگاه هرموز در هنر و تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموریان (از ۷۸۹ ه ق تا ۸۵۶ ه ق)

سلیمان اسکندری‌راد^۱، محمدعلی رنجبر^۲ *id

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، s.eskandarirad@pnu.ac.ir

^۲ * (نویسنده مسئول) دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، ranjbar@shirazu.ac.ir

چکیده

هنر از جمله شاخص‌های فرهنگی است که در دوره تیموریان مورد توجه ویژه حاکمان قرار گرفته بود. اگرچه در این دوره، رغبت و حمایت حاکمان تیموری از هنر و هنرمند ایرانی به‌عنوان ابزاری برای نمایش قدرت دستگاه حاکمه استفاده می‌شد، ولی در عین حال هنرمندان ایرانی نیز توانستند که با استفاده از هنرهای گوناگونی همچون معماری، خطاطی، تذهیب و... گام‌های مهمی در حفظ هویت ملی و فرهنگ ایرانی برداشته و هنر ایرانی را از یک هنر منطقه‌ای به یک هنر جهانی تبدیل نمایند. برآمدن تیموریان و ایجاد وحدت سیاسی در بخش عظیمی از ایران، درحالی‌که هنر و هنرمندان را تشویق می‌نمود، اقتصاد و تجارت را نیز رونق بخشیده و اهمیت یگانه‌ای به یکی از مناطق ایران به‌نام هرموز بخشید. این بندر در نقطه تلاقی ایران با راه اصلی دریایی تجارت جهان (راه ادویه) قرار داشت، و از این طریق نقش بسیار مهمی در تجارت این دوره ایفا نموده و طیفی گسترده‌ای از کالاهای فرهنگی و هنری و خصوصاً جواهرات و سنگ‌های قیمتی در این منطقه مورد مبادله قرار گرفت؛ به‌تدریج با کنار گذاشتن بقیه رقبا توانست که به مرکز اصلی دادوستد کالا و محل ملاقات بازرگانان مختلف در این دوران تبدیل شود.

اهداف پژوهش:

۱. تشریح جایگاه هنر و وضعیت فعالیت‌های هنری در دوره تیموریان.
۲. شناسایی وضعیت کلی تجارت و خصوصاً تجارت سنگ‌های قیمتی هرموز در دوران تیموریان.

سؤالات پژوهش:

۱. جایگاه هنر و فعالیت‌های هنری در دوران تیموریان چگونه بوده است؟
۲. جایگاه هرموز در تجارت اشیاء و سنگ‌های قیمتی در دوره تیموریان چگونه بوده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۴

دوره ۲۱

صفحه ۷۴ الی ۸۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

تجارت،

هنر،

هرموز،

تیموریان،

سنگ‌های قیمتی.

ارجاع به این مقاله

اسکندری راد، سلیمان، & رنجبر، محمدعلی. (۱۴۰۳). بررسی اهمیت و جایگاه هرموز در هنر و تجارت سنگ‌های قیمتی در دوره تیموریان (از ۷۸۹ ه ق تا ۸۵۶ ه ق). مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۴)، ۷۴-۸۸



doi.org/10.22034/IAS.2023.418494.2296



dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.418494.2296

مقدمه

هنر نمود ذوق و حس زیباشناختی هنرمند است که تحت تأثیر انگاره‌ها و اندیشه‌های رایج در تمدن‌های گوناگون بشری شکل می‌گیرد. سرزمین ایران از دوران باستان مهد هنرپرورانی است که شاهکارهای هنری بی‌بدیلی را آفریده‌اند (علی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۲). در مبحث مطالعات تاریخی و جست‌وجوی آنچه پیش از این روزگار بر سرزمین ما رفته است، دوره تیموریان (۷۷۱-۹۱۲ ه.ق) همواره توجه و علاقه ویژه پژوهشگران و آگاهان علم تاریخ را برانگیخته است. تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این دوره از سویی، و توسعه علوم و فنون و هنرها از ادبیات و موسیقی و معماری تا نقاشی و خوشنویسی، بارها مورد مطالعه پژوهشگران بسیاری در سراسر جهان قرار گرفته و علی‌رغم اشاره به ظلم، غارت‌گری و خونریزی تیمور، وی و جانشینان وی را اهل هنر و حامی هنرمندان دانسته و این دوره را از جنبه هنری بی‌مانند دانسته‌اند (کاوسی، ۱۳۸۷: ۲۷).

پادشاهان تیموری در راستای اهداف سیاسی خود، به تجارت در مراکز شرقی و به‌ویژه هرات و سمرقند و مناطق حوزه خلیج فارس نیز توجه داشتند. آرامش نسبی در این دوره، توجه به امنیت راه‌ها، ایجاد استراحت‌گاه‌ها، منازل مناسب، شبکه ارتباطی فرامنطقه‌ای و... نه تنها به گسترش تجارت، بلکه به رشد و آبادانی شهرها نیز انجامید (ساسان‌پور، ۱۳۸۵: ۳). دوره تیموری در تشکیل سبک‌های متنوعی از هنرهای اسلامی و رونق آن نیز موقعیتی به‌سزا داشته است. اگرچه در مواردی هم مقدمات و بستر اولیه رواج برخی از سبک‌های هنری این دوره نیز به ادوار پیش از آن‌ها بازمی‌گردد، ولی با این وصف، کوشش امرای تیموری در اعتلای هنرهای اسلامی و گسترش تجارت انکارناپذیر است (امامی، ۱۳۷۵: ۱۴۶). لذا برآمدن تیموریان و ایجاد وحدت سیاسی در بخش اعظمی از سرزمین ایران، درحالی‌که تجارت در راه ابریشم به‌واسطه بی‌ثباتی در مرکز آسیا با ضعف و زوال روبه‌رو شده بود، اهمیت یگانه و ویژه‌ای را به پاره‌ای از مناطق ایران نظیر «هرموز» بخشید. این بندر در نقطه تلاقی ایران با راه اصلی دریایی تجارت جهان (راه ادویه) قرار داشت، و از این طریق نقشی محوری در تجارت این دوره ایفا نمود. هرموز هم با کانون‌های راه ابریشم در شمال، و هم با کانون‌های راه ادویه در جنوب در ارتباط و مبادله بود و طیفی متنوعی از کالاها، از ادویه، پارچه و مواد غذایی گرفته تا اسب و سنگ‌های قیمتی از هرموز وارد و صادر می‌گردید (رسولی، ۱۳۹۳: ۲).

از زمانی که تیمور، ایران را دوباره تحت یک حکومت واحد درآورد، به‌ویژه زمانی که شاهرخ به بازسازی خراسان دست زد، تیموریان متوجه اهمیت راه دریایی، اهمیت خلیج فارس و نقش بی‌بدیل بندر هرموز در رونق تجارت شدند. این‌گونه بود که هرموز، غربی‌ترین منزلگاه راه دریایی ادویه، این موقعیت را یافت که به نقطه‌ای محوری تجارت ایران در قرن نهم تبدیل شود؛ و این یکی از فرض‌هایی است که نوشتار حاضر در پی تبیین آن می‌باشد. لذا در این مطالعه، سعی می‌شود تا به این سؤالات اصلی پاسخ داده شود که جایگاه هنر و فعالیت‌های هنری در دوران تیموریان و همچنین اهمیت و جایگاه هرموز در تجارت و خصوصاً تجارت اشیاء و سنگ‌های قیمتی در دوره یاد شده چگونه بوده است. در همین راستا، با نگرشی تاریخی ضمن بررسی وضعیت هنر و جایگاه هنرمندان در این دوره، جایگاه صعودی هرموز

به‌سوی شکوفایی و رونق روابط تجاری آن با جنوب و شمال، چگونگی تجارت و یا مبادله کالاهای هنری و تجارت زیورآلات و سنگ‌های قیمتی در هرموز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و جهت روشن‌شدن این موضوعات می‌کوشد تا آگاهی‌هایی در این زمینه ارائه نماید.

دوره تیموریان را باید یکی از ادوار گسترش علوم و هنر دانست و در راستای حمایت‌های بی‌دریغ سلاطین دانش دوست این دودمان شاهد توسعه علوم متعدد، هنر و تجارت در حیطه‌های متنوع هستیم. مطالعات متعددی در این رابطه وجود دارد که در هر یک سعی شده است تا بخشی از ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خاص این دوره در حوزه‌های ذکر شده را تشریح نمایند.

از جمله مقالات مهم این حوزه، پژوهش ملازهی و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان «واکوی سفارت عبدالرزاق سمرقندی در کالیکوت و بیجانگر و کارشکنی ملوک هرموز» است که به بررسی چگونگی ناکامی در تغییر رویه دولت تیموری از جهانگشایی به سمت روابط مسالمت‌آمیز با همسایگان، از جمله با سرزمین هند پرداخته شده است. شیاسی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی ساختار اقتصادی و فعالان بازرگانی عصر تیموری» به اهمیت خلیج فارس و جزایری همچون هرموز در این دوره پرداخته است. سرخوش (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «اقتصاد در عهد تیموریان»، سعی نموده است تا اوضاع اقتصادی، تجاری، کشاورزی، بازار و... را که از اساسی‌ترین زیرساخت‌های هر جامعه‌ای است را در این دوره بررسی نماید.

مسعودی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «پژوهش بر هنر فلزکاری دوره تیموری» ضمن بررسی وضعیت انواع هنرهای دستی به بررسی وضعیت رشد و رونق صنایع مهمی همچون: ظروف‌سازی، اسلحه و جنگ‌افزارهای دستی، زیورآلات، سکه‌ها، قلمدان و تزئینات پرداخته‌اند. رحیمی‌نژاد و جاوید (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «نقش هرمز در تبادلات اقتصادی خلیج فارس و اقیانوس هند در قرن هشتم و نهم» نتیجه‌گیری کرده‌اند که حوزه خلیج فارس و مراکز تجاری آن از دیر باز تاکنون نقش اساسی خود را به‌عنوان منطقه مهم تبادلات اقتصادی در شرق، به‌ویژه حوزه اقیانوس هند به‌خوبی ایفا کرده است و جزیره هرموز به لحاظ مجاورت با راه‌های بزرگ بازرگانی دنیای قدیم، همچون ادویه و ابریشم و قرارگرفتن در مسیر اقیانوس هند، از اهمیت تجاری، بازرگانی و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار بوده و طی قرون هشتم و نهم جزیره هرموز تبدیل به کانون اصلی مبادلات دریایی شده و جایگزین سیراف و کیش گردید. کاوسی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «زمینه‌های توسعه هنر در دوران تیموریان» به بررسی این موضوع پرداخته و بیان می‌نماید که امیران تیموری پس از جنگ‌های مختلف و کشورگشایی، سیاست‌گذاری‌های مهمی در زمینه‌های مختلف برای تثبیت حکومت خود و گسترش فرهنگ و هنر داشته‌اند. عوض‌نژاد (۱۳۷۹-۱۳۷۸) در طی دو مقاله مجزا با عنوان «تاریخ ملوک هرمز از آغاز تا تشکیل دولت صفوی» جایگاه اقتصادی، تجاری و فرهنگی این جزیره را تشریح نموده است. به باور نگارنده، «جزیره هرمز و یا هرموز یا ارموز بنا به گفته برخی از مورخان از بنیان‌های اردشیر

ساسانی است که از سده هفتم هجری رو به ترقی گذاشت و به علت آنکه در کنار تنگه هرمز واقع است توانست که موقعیت بازرگانی و اقتصادی خاصی پیدا نماید و بازار کالاهای چین، هند، ری، خراسان و ارمنستان گردد.

در این پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع دست اول تاریخی، ضمن بررسی وضعیت هنر و چگونگی رونق آن در این دوره، نقش جزیره هرمز در گسترش تجارت و همچنین تجارت زیورآلات و سنگ‌های قیمتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فرضیه اصلی این مطالعه بر این است که سیاست‌های متعادل و واقع‌گرایانه امرای تیموری و خصوصاً ملوک هرمز در گسترش هنرهای رایج آن دوران و همچنین تأمین امنیت تجاری در مناطق تحت‌نفوذ و اهمیت‌بخشیدن به تجارت دریایی و درآمدهای حاصل از آن باعث گردید که هرموز به‌عنوان کانون اصلی تجارت دریایی در خلیج فارس و حوزه اقیانوس هند تبدیل شده و تجارت آثار هنری، زیورآلات و سنگ‌های قیمتی نیز پررونق گردد.

۱. هنرمندان و جایگاه آنان در دوران تیموریان

دوره تیموریان (۹۰۷-۷۸۲ ه.ق) یکی از نقطه‌های عطف تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ما محسوب می‌شود. یا ورود این قوم خونریز و بیابان‌گرد کشور ما نه تنها دچار کشتار و غارت شد، بلکه اوضاع اقتصادی، اجتماعی کشور نیز دچار تغییرات فراوانی شد (نوبین، معصومی، ۱۳۹۰: ۲۲۰). آنچه مسلم است، کم‌رنگ بودن فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی شاهان تیموری است که در بسیاری از منابع تاریخی قابل‌مشاهده است. از آنجایی که تیموریان علاقه زیادی به بازسازی و آبادساختن شهرهایی که مقرر حکومتی آن‌ها بود داشتند، از این‌رو، رونق اقتصاد شهری که در سایه فعالیت‌های پیشه‌وران و اهل حرف و تجارت خردپا اتفاق می‌افتاد، شدیداً دنبال می‌شد. تیمور اغلب هنرمندان، پیشه‌وران و ارباب حرفه‌هایی نظیر: معماران، نقاشان، زره‌سازان، شیشه‌سازان، چینی‌سازان، بافندگان و تفنگ‌سازان را به تعداد زیاد از شهرهای مفتوحه به اسارت گرفته و در سمرقند اسکان می‌داد و در گسترش کسب و کارهای هنری نیز همت نمود؛ در احیای نظام پیشه‌وری و اصناف و همچنین اعتلای بازرگانی و تجارت داخلی و خارجی در شهرهای شرق ایران کاملاً موفق گردیدند (رفیعی، ۱۳۸۶: ۷۷-۷۸).

توجه به هنرمندان و اجازه برای حیات‌شان، همچنین فرستادن آن‌ها به سمرقند چیزی برخلاف آرمان‌های جنگی تیمور و همچنین امرای بعد از وی بود، چراکه معمولاً نسبت به جان انسان‌های سرزمین‌های مفتوحه دید انسان‌ی کم‌تری از آنان دیده می‌شد (کاوسی، ۱۳۸۵: ۳۱). عملکرد تیمور در قبال این بخش از غنایم جنگی (هنرمندان) متفاوت بود؛ چراکه حتی قبل از یورش سعی می‌نمود در مورد حرف مناطق متصرفی اطلاعاتی کسب کند. ابن‌عربشاه می‌نویسد: «خبررسانان نام و لقب و کنیه هر کس و پیشه‌هایی را که در آن کار می‌کردند و ابزاری را که به کار می‌بردند را به عرض تیمور می‌رساندند» (ابن‌عربشاه، ۲۵۳۶: ۲۹۹). تحقیق در مورد هنرمندان منطقه‌ای قبل از فتح آن نواحی نشان از برنامه‌ریزی تیمور برای استفاده از آن‌ها داشت و اهمیت این گروه را در حیطه سیاست‌های تیمور می‌رساند؛

به طوری که بعدها نیز معلوم گردید که این غنائم به‌عنوان ابزاری برای تبدیل سمرقند به مادرشهری شکوهمند بودند (آژند، ۱۳۸۰: ۴۳).

تیمور با آنکه کشورگشایی به‌نام و موفق بود، اما در گسترش و توسعه انواع هنرهای مرسوم آن زمان، مشوق بزرگی برای پیشرفت هنرمندان گردید. جانشینان وی نیز به‌عنوان پشتیبانان هنر و هنرمندان در این دوره از تاریخ دارای ارزش و اعتبار می‌شدند. سیطره و قدرت بیش از حد تیمور موجب شد در انواع هنرهای ظریفه همانند نقاشی، خوشنویسی، هنر تذهیب، هنر تجلید به‌خصوص هنر و سبک معماری و به‌تبع آن تزئینات مجلل برای نشان دادن شکوه و عظمت دربار و اریکه تیموری از حمایت‌های ویژه‌ای بهره‌مند گردد. در میان اینان، وضعیت هنر خوشنویسی و خوشنویسان از دیگر هنرمندان نظیر نقاشان در انجام کار و آثار باقی مانده، مناسب‌تر بود. نقاشان، به دلیل تعصب رجال دین و عدم رضایت توده مردم در پدیدآوردن اثر خویش، نام خود را مخفی نگه می‌داشتند و مانند خطاط نام خود را زیر خطی که می‌نوشت قید نمی‌کرد. بسیاری از رجال تیموری از جمله ابراهیم سلطان و بایسنقر و حمایت آن‌ها از این هنر، خوشنویسان از قرب و منزلت ویژه‌ای برخوردار شدند و مردم نیز با اشتیاق خط‌های ادعیه و اشعار و یا پندها و موعظه‌ها را خطاطان می‌نوشتند با قیمت‌های گزافی می‌خریدند (حامدی، حیدری هوشیار، ۱۳۸۸: ۱۵ و ۷). در ضمن به دلیل آثار و ابنیه‌های مختلفی نظیر: مسجد، حمام، بقعه، خانقاه، آرامگاه و بازار که توسط هنرمندان و صاحبان حرف در این دوران ساخته شده‌اند، بیشتر بناهای عام‌المنفعه‌ای بودند که در اختیار مردم و مورد استفاده عموم قرار داشتند که غالباً ارزش هنری بالایی هم داشتند (میرآخوند، ۱۳۸۰: ۱۶ / ۴۹۳۰). در این دوران با استحکام روابط فرهنگی با کشور چین و رونق مبادلات آثار فرهنگی، تأثیر سازنده دیگری در هنرهای عصر تیموری پدیدار شد (امامی، ۱۳۷۵: ۱۴۶). حکومت سلاطین تیموری در هرات در واقع سنگ بنا و پایه رنسانس علمی-هنری و فرهنگی در این سرزمین بود که با پیدایش هنرمندان و دانشمندان در بیشتر رشته‌های علمی-ادبی و فرهنگی خود را نشان داد و این موضوع در تاریخ کهن ایران‌زمین نادر است (ساسان‌پور، ۱۳۸۵: ۲).

در کنار امیران تیموری، بسیاری از درباریان و اعضای این خاندان نیز در توجه به هنر و حمایت از هنرمندان بسیار گشاده‌نظر بودند؛ چنان‌که با حمایت چند تن از همسران تیمور و شاهرخ بناهای بسیاری برپا شد. فرزندان شاهرخ نیز علاقه به فرهنگ و هنر را از پدر به ارث برده بودند و هر یک به سم خود نه‌تنها در پرورش و نوازش هنرمندان سعی بلیغ می‌کردند بلکه خود نیز از انواع هنرها بهره‌ای تمام داشتند و از استادان بلندپایه چیزی کم نداشتند. میرزا الغ‌بیک، فرزند ارشد شاهرخ در کنار توجه به علم نجوم و تأسیس رصدخانه بزرگ سمرقند، از توجه به شعرا و هنرمندان در رشته‌های مختلف نیز غافل نشده و از محبت به آنان دریغ نمی‌نمود. شاید بزرگ‌ترین شاهزاده هنر پرور و هنرمند این عهد میرزا بایسنقر بن شاهرخ باشد که در اغلب فنون هنری زبردست بوده و به نقاشی و خط ثلث تسلط کافی داشت و چنان‌که می‌دانیم کتیبه‌های معروف مسجد گوهرشاد مشهد نیز به خط وی می‌باشد (کاوسی، ۱۳۸۷: ۲۶).

۲. رونق صنعت هنر در ایران عصر تیموری

علاقه و اشتیاق زیاد تیمور به هنر منتهی به جمع کردن کلیه هنرمندان و صنعت‌گران ایرانی، مکتب بغداد که به‌عنوان دبستان جهانی عباسی (رابینسون، ۱۳۸۰: ۶۲) با تأثیرپذیری از افکار فنون بیزانسی و سنت بومی بود و هنرمندان نقاش چینی که متأثر عصر هنر و فرهنگ امپراتوری سلسله یوان بودند، در سمرقند و هرات شد. حضور آن‌ها باعث شد تا هنرمندان ایرانی با انواع هنر و خصوصاً نقاشی آن‌ها آشنا شوند و از آن‌ها نیز تأثیراتی بپذیرند. لذا کلیه نقاشی‌های این دوره از نظر فرم جامعه‌ها، نمایش صورت‌ها و مناظر، بیانگر تلفیقی هنرمندان از نگارگری چین، ایران و بغداد است (الماسی، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۲). هنر خوشنویسی و همچنین هنرهای مرتبطی با آن همچون تذهیب‌کاری، خطاطی، صحافی، جعبه‌سازی به‌طور هم‌زمان رونق یافته و هنرمندان این حوزه‌ها نیز در کارگاه‌های متعددی مشغول به کار بودند. صنعت جلد‌سازی نیز محدود به هرات نبوده و در شهرهای دیگری نظیر سمرقند، مرو، مشهد، نیشابور، شیراز و تبریز نیز رواج گسترده‌ای یافت (زکی، ۱۳۷۲: ۱۲۵-۱۲۷).

در عصر تیموریان علاوه بر موارد ذکر شده، هنر روی چرم و پوست، قدر و منزلتی خاص یافت. هنر سوخت و معرق که در آن دوران به ساختن جلد کتاب‌ها محدود بود در مسیر تکامل قرار گرفته و به مرحله نوینی رسید. جلدهای بسیار نفیس ساخته شده در این دوران از شاهکارهای هنری هستند که پاره‌ای از آن‌ها امروزه در موزه‌ها معتبر جهان نگهداری می‌شوند (هوشیار، حامدی، ۱۳۸۸: ۲۹). مؤلف کتاب هنر در عهد تیموریان آورده است: «سلاطین عثمانی و رجال دربار قسطنطنیه، مدارس و مساجد بزرگ پایتخت خلافت اسلامی کتابخانه‌های عظیمی داشتند و این آثار را که از هرات، بخارا، بلخ و سمرقند، تبریز، اصفهان، مشهد و شیراز بدانجا می‌رسید، با ولع تمام می‌خریدند و نگهداری می‌نمودند» (حبیبی، ۱۳۵۵: ۴۴). لذا گفته می‌شود که اغلب هنرمندان و صنعت‌گران در این دوره به‌دلیل فعال بودن صنعت هنر و علاقمندی به خرید آثار هنری دارای سطح زندگی و معیشت مناسبی بودند و کلیه مایحتاج خود را به‌خوبی تهیه می‌نمودند. دسته‌ای از این هنرمندان نیز درباری بوده و علاوه بر دریافت حقوق و مستمری مقرر از انعامات و پاداش‌های ویژه‌ای نیز برخوردار بودند (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۲۲۸).

دوره تیموری همچنان که هنرهای ظریفه مورد توجه واقع شده است، موسیقی نیز حائز اهمیت است. مهم‌ترین شواهد این امر را می‌توان در موارد متعددی بیان نمود. در این دوران بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز موسیقی صفی‌الدین ارموی (۱۲۹۴ م - ۶۹۳ هـ) که در خدمت خلیفه بغداد بود به‌علت مهارت در نوازندگی تنبور مورد لطف هولاکوخان قرار گرفت. محمدبن‌المولی (۱۳۳۴-۷۶۵ هـ) یک دایره‌المعارف موسیقی و یک رساله مهم موسیقی را به زبان فارسی به‌نام «کتر التحف» که طول قرن پانزدهم میلادی نوشته شده بود را تکمیل نمود. در این کتاب است که ما متوجه می‌شویم آلات و ادوات موسیقی متعددی در مجالس ایرانی در طول دوره ایلخانی و تیموری وجود داشته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عود، رباب، چنگ بزرگ، قیچک، نی و تنبور اشاره نمود. ابن‌غیبی یک نوع کمانچه و یک نوع تنبور و دف و رباب و نی و نفیر را به آن اضافه نمود و پس از اینکه سمرقند پایتخت تیموریان شد مهد علم و دانش از غرب به شرق

منتقل گردید. ابن سعید یکی از نظریه‌پردازان بزرگ موسیقی در دوران تیموریان بوده است که در سایه توجهات فراوان امرای تیموری به شهرت رسید (پوپ، ۱۳۸۷: ۴۱۸).

هنر کاشی‌کاری نیز از جمله هنرهایی است که بعد از مرگ تیمور از رشد و پیشرفت بالایی برخوردار گردید. توفیق سده نهم در کاشی‌کاری مبتنی بر به‌کارگیری مجموعه رنگ مغولی در مایه‌های غنی و تابناک بود که دوران طلایی معرق‌کاری در کشورمان را منعکس می‌نماید لذا جانشینان تیمور نیز پیش از آنکه به اندیشه جنگ و امور نظامی باشند به هنر و علم توجه می‌کردند و این شیوه برای جامعه آن روز ضروری به نظر می‌رسید و خود نوعی تدبیر سیاسی به‌شمار می‌رفت هرچند که به‌عنوان «رسانس عصر تیموری» در تاریخ این دوره معروف گردید و برای کارنامه جانشینان تیمور نیز به ثبت رسید (میرجعفری، ۱۳۸۶: ۲۲۸ و ۱۱۸).

۳. هرموز و شکل‌گیری قدرت تجارت آن در دوره تیموریان

بندر و جزیره هرموز به‌عنوان محل تلاقی راه‌های تجاری دریایی و خشکی و یکی از مراکز مهم خلیج‌فارس به‌شمار می‌رفت و از آنجایی که این شهر در دو مسیر بازرگانی خشکی و دریایی قرار داشت، بیشتر از دیگر مراکز تجاری ایران در مقابل تغییرات و دگرگونی‌ها از خود انعطاف نشان داده است. جزیره هرموز به مدت پنج قرن، از قرن ششم تا دهم هجری به‌عنوان پایگاه اصلی و کانون مبادلات اقتصادی و تجارت دریایی خلیج فارس و حوزه اقیانوس هند نقش مهمی را ایفا کرده است (رحیمی‌نژاد، جاوید، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

به باور تاریخ‌نگاران، هرموز از سال ۷۰۰ هجری به بعد بود که به مرکز عمده دادوستد دریایی، بارگیری و باراندازی کشتی‌های تجاری خلیج‌فارس، دریای عمان، اقیانوس هند تا جنوب شرقی آسیا و آفریقای شرقی تبدیل گشت و مقام و منزلت پیشین جزایر و بنادر سیراف، کیش، هرموز ساحلی و تیز را در تحولات اقتصادی منطقه به‌دست آورد. لذا در سایه این توانمندی اقتصادی، نیروی دریایی قدرتمند نظامی و تجاری تشکیل گردید که بالغ بر ۳۰۰ فروند کشتی در اختیار داشت و مزدبگیران فراوانی از ملل گوناگون در آن خدمت می‌نمودند (پطروشفسکی، ۱۳۵۹: ۶۳). توسعه قلمرو هرموز در این دوره و کنترل کامل بندر قلّهات که کلید دروازه اقیانوس هند به‌شمار می‌رفت، نیز از دیگر امتیازات این جزیره و حکام آن محسوب می‌شد (وثوقی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

ویلسن در توصیف خود از هرمز بیان می‌کند که: «جزیره هرموز به عظمت و جلال و تحول در آفاق مشهور بود. اسم این جزیره به واسطه اشعاری که توسط میلتن شاعر انگلیسی در حق ثروت و تمول افسانه‌ای مانند آن گفته است در میان ما نیز معروف شده و جنبه افسانه و داستان به خود گرفته است. یک ضرب‌المثل شرقی هم می‌گوید اگر دنیا حلقه انگشتری باشد، هرموز نگین آن است. همچنین وی از زبان سیاحی به‌نام «آبه رینال»، بیان می‌کند که: «هرموز پایتخت مملکت وسیعی بود که از یک طرف قسمت اعظم خاک عربستان و از طرف دیگر ایران ضمیمه آن بود. منظره این شهر در نظر تجار و مسافرین خارجی از سایر بلاد شرق زیباتر و مجلل‌تر جلوه می‌نمود مردمان مختلف از جمیع اقطار معمور عالم به آنجا آمده و امتعال و مال‌التجاره خود را با ادب و احترام کاملی که در هیچ‌جای دنیا نظیر آن دیده

نمی‌شد با هم معاوضه می‌نمودند (ویلسن، ۱۳۶۳: ۱۱۵ و ۱۱۹). این رونق عظیم و پرآوازه طبیعتاً نتیجه تجارت و بازرگانی بوده است که حیات جزیره هرموز وابسته بدان بود. بنابراین ایجاب می‌نمود برای محافظت از بازرگانی و تجارت پرسودی که با سرزمین‌های مختلف انجام می‌نمود قوانینی تنظیم شود و نظمی حاکم گردد که حاکمان هرموز از آن غافل نشده و جهت تقویت و ایجاد امنیت هرچه بیشتر فعالیت‌های تجاری، ایجاد تشکیلات گمرکی و نظارتی و همچنین صدور بارنامه و اخذ مالیات، بخشی از آن‌ها بود (ابن ماجد، ۱۳۷۲: ۴۳۷).

هرموز تا روزگار زوال خود در سده دهم هجری از مناطق بسیار مهم در تجارت دریایی خلیج فارس و حوزه اقیانوس هند به‌شمار می‌رفت. تسلط حاکمان هرموز بر مناطق مهم اقتصادی در کرانه‌های شمال و جنوب آبراه هرمز، استفاده از انواع ناوگان تجاری و نظامی گسترده (پطروشفسکی، ۱۳۵۹: ۶۳)، در اختیار گرفتن جزیره کیش، شکوفایی اقتصادی و تسهیل امور تجاری پس از انتقال مرکز حکومت به جزیره جرون و به‌کارگیری قابلیت‌های مثبت آن در زمینه کشاورزی (لسترنج، ۱۳۶۴: ۳۴۱)، توسعه شهری (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۳۰۰)، و کشتی‌سازی (مارکوپولو، ۱۳۵۰: ۴۶) سبب گردید تا هرمز به تدریج با کنار گذاشتن بقیه رقیبان به مرکز اصلی دادوستد کالا و محل ملاقات بازرگانان مختلف تبدیل شود که از دورترین نقاط جهان به آنجا می‌آمدند. هرموز در زمان اوج رونق خود در دوران تیموریان به‌عنوان بازار تجارت آسیا پذیرای بیش از چهارصد بازرگان بزرگ از ملل مختلف بود که به خرید و فروش انواع و اقسام کالاهای هنری و تجاری گران‌بها و پرمشتری نظیر: مروارید، ابریشم، فرش، ادویه، اسب‌های اصیل، مواد غذایی، سنگ‌های پرارزش و... می‌پرداختند (رحیمی‌نژاد، جاوید، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

۴. شرکای اصلی در تجارت با هرموز

نیمه جنوبی جهان کهن یا دریاهای آسیا، دومین قطبی بود که به حیات تجاری-اقتصادی هرموز در قرون میانه معنا می‌بخشید. منطقه‌ای وسیع از سواحل جنوبی چین تا تنگه مالاکا، بنگال و سیلان، دکن، (بیجانگر، گلبرگه و کالیکوت)، گجرات، کمبایه، عمان، حضرموت، یمن، ساحل شرق آفریقا تا ماداگاسکار در مجاورت جنوب آفریقا، که در این شبکه عظیم تجاری با هرموز پیوند می‌یافت. هرموز به‌عنوان راه خروجی و ورودی کالا میان این حوزه گسترده با خشکی‌های کهن آسیا و اروپا عمل می‌کرد. بی‌شک بخش عمده دادوستد دریایی هرموز با هند بود و بیشتر کالاهایی که هرموز از ایران وارد می‌کرد، به هندوستان صادر می‌شد (باربوسا، ۱۹۹۶: ۳-۴۱). همان کاری که امروزه به آن صدور مجدد می‌گویند و عکس آن را امروزه «دبی» انجام می‌دهد. هرموز علاوه بر کالاهای وارده از ایران (که شامل اسب، لعل، فیروزه، خرما، کشمش، زیره، فیل، پارچه ...) و کالاهای تولیدی خود (نمک، خاک سرخ و پارچه) و کالاهای عربستان (کندر)، مرکز صدور جنگجویان مزدور از ایران به هند نیز بود (پیرس، ۱۹۴۴: ۳۶). در مقابل، از هند انواع مختلف ادویه و دارو، سنگ‌های گران‌بها، بلسان (حنا)، برده و خواجه‌سرا و پارچه‌های نخی به هرموز وارد می‌شد (باربوسا، ۱۹۹۶: ۳-۴۱).

در فهرست شرکای تجاری هرموز در حوزه هند، نام کامبی (کمبایه) بنگال، گجرات، چاول و دیبل، کالیکوت و سیلان نیز برده شده است (همان: ۸-۱۴۶). از این میان، دکن و گجرات دست کم در اواخر قرن نهم از مهم‌ترین شرکای بازرگانی هرموز بودند (پیرس، ۱۹۴۴: ۳۰). در رابطه با چین نیز، شاهان هرموز در طول قرن هشتم و نهم ایلچیان را به چین اعزام کردند که در منابع دوره مینگ «ایلچیان خراج» نامیده شده‌اند. این فرستادگان اسب و محصولات دیگر را به دربار امپراتوری پیشکش می‌کردند. چینی‌ها نیز در عوض از نقشی که هرموز در تجارت با خاورمیانه بازی می‌کرد و نیز نقش مستقیم آن در تجارت با منطقه مدیترانه مطلع می‌شدند (کاوتس، پتاک، ۱۳۸۳: ۲). یک کتاب چینی که تاریخ و خاستگاه آن دقیقاً مشخص نیست و در قرن هشتم یا نهم نوشته شده است هرموز را محل صدور منسوجات خارجی، از نظر چینی‌ها، و کالاهای گران‌بها، که احتمالاً منظور سنگ‌های قیمتی است، نامیده و آن را شبیه به «کالیکوت» معرفی می‌کند (همان: ۳۷).

یمن و مالاکا هم از دیگر نقاط این حوزه بود که منابع از فعالیت تجار ایرانی در آن‌ها سخن می‌گویند. در یمن علاوه بر ذکر نام کالاهای ایرانی مانند گلاب، زعفران، و پارچه کاشان؛ یا کالاهایی که از طریق ایران می‌آمد، مانند پشم و آینه چینی؛ کاربرد ترکیبات زبان فارسی همچون خزانه، فرشخانه، طشتخانه، شربخانه، ركبخانه و طبخانه و به‌ویژه کاربرد نام فارسی برخی کالاها مانند آینه چینی (آینه الصینی) در متون اصلی تاریخی دولت «رسولیان»، نشانه بارزی از ارتباط گسترده میان هرموز و یمن است. به‌علاوه کالاهایی مانند شکر و برنج و آهن از یمن به هرموز صادر می‌شد (حسن، ۱۳۵۵: ۱۸۹).

هرموز نه‌تنها بندرگاهی حیاتی برای سفرهای دریایی بود که از خلیج فارس گذر می‌کردند، بلکه نقطه‌ای بود که در آن تجارت دریایی و تجارت راه خشکی با هم تلاقی می‌کرد. فقط شمار اندکی از شهرهای مراکز تجاری واقع در سواحل آسیا چنین جایگاه چندمنظوره‌ای پیدا کردند (کاوتس، پتاک، ۱۳۸۳: ۱۵). طی همه سال‌های قرن هشتم و نهم، روابط با خراسان که از شرکای تجاری عمده هرموز در خاک اصلی ایران بود، هیچگاه (حتی با وجود تسلط ترکمانان بر جنوب ایران) قطع نشد و این تجارت تا روزهای پایانی پیش از ورود پرتغالی‌ها همچنان رونق داشت (همان: ۲۰). مهم‌ترین کالاهایی که از طریق خاک ایران وارد هرموز می‌شد عبارت بودند از: ابریشم، انواع منسوجات (ابریشمی، پشمی، پنبه ای) سنگ‌های قیمتی شامل لعل، فیروزه، زمرد، مشک، ریواس، سنگ لاجورد، جیوه، شنجرف، گلاب، اسب، شال کشمیری، اسلحه (به‌خصوص کمان‌های ترکی ساخت لار)، میوه، گندم، خشکبار، گوشت (همان: ۷۰-۶۹). وجود اسکله «باسعیدو» و تعمیراتی که در اواخر عصر تیموری در آن صورت گرفت (بابک‌راد، ۱۳۵۸: ۹۲۷)، و همچنین بقایای اسکله «لافت»، که تا قبل از صفویه مورد استفاده بوده (همان: ۹۲۹)، نشان از نقش این جزیره در برقراری ارتباط تجاری میان هرموز و دریای عمان با خلیج فارس و داخله ایران دارد.

۵. هرموز و تجارت جواهرات و سنگ‌های قیمتی

سنگ‌های قیمتی در کنار ابریشم، ادویه، و اسب، قطب چهارم تجارت هرموز را تشکیل می‌داد. مصرف جواهرات در هرموز چشمگیر بود. یک مسافر چینی اواسط قرن هشتم که از هرموز دیدن کرده است از جواهرات فراوانی که اغنیا خود را با آن می‌آراستند خبر می‌دهد (کاوئس، پتاک، ۱۳۸۳: ۶۸). یا قوت ارغوانی، زمرد، زبرجد، لعل، یاقوت آبی، سرخ و زرد، الماس، مرجان و یشم از جمله جواهراتی است که در گزارش‌های چینی و پرتغالی از نقش برجسته هرموز در تجارت آن‌ها یاد شده است. به‌نحوی که برخی از این گزارش‌ها بیشتر این سنگ‌های گران‌بها را از محصولات هرموز به حساب آورده‌اند (باربوسا، ۱۹۹۶: ۳-۴۱).

معادن یاقوت در دو نقطه حوزه اقیانوس هند وجود داشت؛ سیلان و بنگال، از شرحی که در جواهرنامه درباره یاقوت آمده است چنین برمی‌آید که در سده نهم هجری معدن یاقوت بنگاله، نسبت به معادن سیلان جدی‌تر بوده است. معادن یاقوت بنگاله در حوالی جزیره «یوکنک» یا «یوکنگ» در نزدیکی ساحل «افرینکو» قرار داشت، و بدین جهت علاوه بر یاقوت بنگاله و یاقوت جدید، به یاقوت یوکنگی نیز شهرت داشت. این یاقوت، خوش آب و سبز رنگ رمانی توصیف شده است. احتمالاً به دلیل همین آب و رنگ بود که یاقوت که در آن زمان (در ایران) در میان مردم بیشتر منتشر بود، یاقوت یوکنگی بود. ظاهراً تجار اروپایی نیز بیشتر به آب و رنگ یاقوت اهمیت می‌دادند. این درحالی بود که جواهریان ماهر می‌دانستند که یاقوت یوکنگی به دلی نر می، از آزمایش آتش سالم بیرون نمی‌آید، در نتیجه یاقوت سیلانی بهای بالاتری داشت (بینش، ۱۳۴۳: ۲۷۹). از گزارش جواهرنامه برمی‌آید که یاقوت تمام عیار در سرزمین‌های عرب، خراسان و برخی بلاد هند و روم نایاب و نادر بود، و تنها یاقوت سیلانی به وفور موجود بود (همان: ۹-۲۷۷). از این بخش از گزارش می‌توان به نقش یگانه هرموز در تجارت یاقوت پی برد.

الماس، «سلطان جواهران، زینت تاج شاهان و پیرایه گوش عروسان نازنین» (همان: ۲۷۶). از دیگر سنگ‌های گران‌بها یا احجار کریمه‌ای بود که از طریق هرموز وارد چرخه تجارت جهانی می‌شد. در خراسان عصر تیموری، و شاید در تمام ایران، این باور وجود داشت که: «دارنده الماس در نظر سلاطین و حکام، عزیز و مکرم و صاحب نفوذ شود، از هیچ‌کس نترسد، دشمن بر او پیروزی نیابد، و از صاعقه و چشم‌زخم در امان باشد». براساس نوشته‌های جواهرنامه، الماس را به دو گونه الماس عتیق یا قدیم و الماس جدید تقسیم می‌کردند که منشأ اصلی هر دو، ظاهراً سرزمین هند بود. محل معدن الماس عتیق مشخص نشده است، اما معادن الماس معروف به جدید در جایی به نام «کریر» در حوالی «بیدر» یا «گلبرگه» در انتهای سرزمین دکن واقع بود (همان: ۵-۲۷۳).

«عقیق» نیز از جمله سنگ‌های قیمتی است که در دوران تیموریان در سه منطقه به دست می‌آمد: صنعا در یمن؛ حوالی شهر «بروج» در گجرات؛ و نقطه‌ای دیگر به نام قصبه «کلوری» در حوالی «جگر»، احتمالاً در خاک هند، اهمیت و ارزش عقیق این سه منطقه یکسان نبود. عقیق یمن یا «درّ یمانی» از همه مرغوب‌تر، و خواصی نظیر: در امان بودن از دشمنان و بلاها، آسان کردن و بار نهادن زنان، تقویت رویش گوشت دندان (لثه) و محکم کردن ریشه دندان، زائل کردن

زردی دندان که برای عقیق برمی‌شمرند متعلق به همین نوع از عقیق بود. عقیق یمانی در شهرهای حبشه و شرق آفریقا خواستاران بسیار و قیمت بالایی داشت؛ به‌نحوی که صلحای مکه و مدینه و مصر و شام و یمن جهت تبرک، عقیق یمانی با خود نگه می‌داشتند. عقیق گجراتی یا عقیق بروج، هرچند که در رنگ و ظاهر مانند عقیق یمانی بود، اما ارزش و اعتبار آن را نداشت (بینش، ۱۳۴۳: ۶-۲۹۵). یشم دیگر سنگ قیمتی مورد تجارت در هرمز بود. تنها منبع صدور یشم ناحیه ختن در مرز چین بود. هرموز احتمالاً واسطه اصلی تجارت یشم در منطقه خلیج فارس و غرب اقیانوس هند بوده است. سفرای مکه که در نیمه دوم قرن نهم از راه هرموز به خراسان و سپس به چین می‌رفتند، علاوه بر اسب و شتر، سنگ یشم را نیز به رسم خراج تقدیم می‌نمودند (برتشنايدر، ۱۳۸۱: ۵۱۰ و ۴۸۷). این سفیران به احتمال فراوان باید این یشم‌ها را در هرموز خریداری کرده باشند.

سنگ قیمتی دیگری به‌نام «زمرد» وجود دارد که در گروه بریل‌ها قرار داشته و تحت‌تأثیر کرومیوم رنگ گرفته است. سنگ زمرد رنگ سبز زیبا و باشکوهی دارد اما همیشه به این رنگ در طبیعت پیدا نمی‌شود بلکه یک بازه رنگی آبی تا سبز دارد. از دیرباز تاکنون رنگ سبز زمرد نماد و نشانه رفاه، موفقیت و پیشرفت می‌باشد. به نوشته جواهرنامه، در آن دوره، زمرد را منحصراً از اروپا می‌آوردند و در جای دیگری یافت نمی‌شد. هرچند وی روایتی را مربوط به گذشته ذکر می‌کند مبنی بر اینکه «پیش از این به پانصد سال» معدن زمرد در مصر، نزدیک هرم بزرگ (گنبد اهرمن) وجود داشته است. زمرد براساس رنگ آن به چهار نوع تقسیم می‌شد: «رازیانه توخیز»، «رمانیب»، «ریحانی» و «سلتی». نوع نخست، از همه با ارزش‌تر بود و چنانچه وزن یک قطعه آن به دو قیراط (فرهنگ معین، ۲/ ۲۷۶۶) می‌رسید در هند شصت فلوری معامله می‌شد. نوع دوم نیز در صورت خوش رنگ و بی‌عیب بودن، همین اندازه قیمت داشت. اما انواع سوم و چهارم چندان قیمتی نداشتند. سمرقندی همین زمردهای ریحانی را در راسته جواهریان شهر بیجانگر دیده و آن را وصف نموده است (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۷-۵۳۵).

تردید نیست که لعل، این کالای انحصاری بدخشان، نیز جزو جواهرات ارزشمند و سنگ‌های قیمتی بوده است که از خراسان به کرمان و هرموز، و از آنجا به هند و سایر نقاط صادر می‌شده است. گزارش‌های چینی عصر تیموری نام این جواهر را جزء هفت محصول گران‌بهای محلی هرموز ذکر کرده‌اند (کاوتس، پتاک، ۱۳۸۳: ۷۰). توصیفات سمرقندی از درهای شاهوار در بازار جواهر فروشان بیجانگر نیز از صدور لعل به هند جنوبی حکایت دارد. از جمله سنگ‌های قیمتی دیگری که منابع مختلف از آن‌ها به‌عنوان محصولات هرموز نام می‌برند «کهربا» بود (همان: ۶۸ و ۷۰). کهربا در گروه سنگ‌های اورگانیک (منشأ گیاهی، حیوانی) قرار دارد. در دوران قدیم زمین‌شناسی به‌صورت صمغ از درختان کاج مخروطی شکل به نام (پیتوس-سوکسینیفرا) خارج شده و پس از خشک و سخت‌شدن به‌صورت فسیل و سنگ درآمده است. تنها اطلاعی که از منشأ صدور این کالا به هرموز در دست است، از برخی منابع چینی است که درباره هرموز مطالبی دارند. به نوشته این منابع، کهربا احتمالاً از شمال اروپا و از طریق سرزمین فرانک‌ها، از رومانی و به‌طور کلی از شرق مدیترانه می‌آمد (همان: ۲۶). همین منبع در جای دیگر تنها از سرزمین فرانک‌ها به‌عنوان محل تولید و صدور کهربا یاد می‌کند (همان: ۲۴-۲۳). صدور کهربا از هرموز به چین اهمیت بسیار داشت و کهربا در بسیاری از آثار ادبی

چین ارج فراوان یافته و بسیار ستایش شده است. پنج گونه کهربا در هرموز مورد معامله قرار می‌گرفت که نوع آن‌ها با نام کهربای زرین، کهربای سیاه و کهربای سقزی مشخص شده است و به‌طور مبهمی از مهره‌های کهربا و دانه‌های تسبیح نیز یاد شده است (همان: ۶۶-۶۵).

نتیجه‌گیری

هنر از جمله شاخص‌های فرهنگی است که در دوره تیموریان مورد توجه حاکمان قرار گرفته است. رغبت و حمایت حاکمان تیموری از هنر و هنرمند ایرانی به‌عنوان ابزاری برای نمایاندن قدرت دستگاه حاکمه استفاده می‌شد. تجمع همه هنرمندان از نواحی مختلف در شهرهای مورد حکومت تیموریان باعث گردید که هنر ایرانی به‌صورت ابزاری برای نشان دادن شکوه نهاد قدرت درآید و آثار ایجاد شده در عین زیبایی، اقتدار حکومت را نیز در نظر بیننده به تصویر کشد. حکام تیموری از هنرهایی که شهرت و بزرگ‌نمایی و اقتدار آن‌ها را بدنبال داشت حمایت می‌کردند؛ به همین لحاظ بود که هنرهایی همچون معماری، نگارگری، خطاطی، تذهیب رشد فراوانی پیدا نموده و هنرمندان ایرانی نیز توانستند که با استفاده از هنر گام‌های مهمی در حفظ هویت ملی و فرهنگ ایرانی برداشته و هنر ایرانی را از یک هنر منطقه‌ای به یک هنر جهانی تبدیل نمایند.

تیموریان علاوه بر هنر و آثار هنری، در حوزه اقتصاد و تجارت نیز جایگاه ارزنده‌ای داشته‌اند، اما به‌نظر می‌رسد که فعالیت‌های اقتصادی و تجاری شاهان تیموری و امرای تحت امر آن‌ها کم‌تر مورد توجه مورخان و پژوهشگران قرار است که در این مطالعه سعی شد تا که با بررسی وضعیت تجارت، شرکای تجاری و خصوصاً تجارت جواهرات و سنگ‌های قیمتی در هرموز که از جمله مناطق بسیار فعال و موفق دوران تیموریان است، اطلاعات مناسبی در این حوزه کسب گردد. با توجه به مطالب و منابع موجود، هرموز را می‌توان حلقه‌ای دانست که راه دریایی ادویه را به ایران و از آن طریق به راه ابریشم متصل می‌کرد. نظم و ثباتی که تیموریان به‌ویژه در نیمه نخست قرن هشتم و نهم در ایران برقرار کردند، موجب رونق روزافزون تجارت میان هرموز و قلمرو تیموریان گردید. در جریان این تجارت، کالاهای مختلف و متنوعی همچون مروارید، سنگ‌های قیمتی، ادویه، عطریات، اسب، پارچه، کالاهای هنری و... در سطحی وسیع مبادله می‌شد. در شرایطی که تجارت در شرق و غرب راه ابریشم به‌واسطه بی‌ثباتی سیاسی یا رکود مواجه بود، تنها راه رونق تجاری قلمرو تیموری از طریق هرموز و راه ادویه بود. این‌گونه بود که حتی کالاهای مصری هم نه از طریق سوریه و عراق بلکه از طریق هرموز وارد ایران می‌شد. لذا برای ایران اواخر قرن هشتم و اوایل نهم، شکوفایی اقتصادی، شهری و هنری شهرهای جنوبی، مرکزی و شرقی همچون شیراز، یزد، و به‌خصوص هرات را می‌توان مرهون تجارت با هرموز دانست. شکوفایی رونقی که نهضت حیرت‌آور و تحسین‌برانگیز هنری عصر تیموری را که غربیان آن را رنسانس تیموری خوانده‌اند، از پیامدهای طبیعی آن بوده است؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که با سیاست‌های متعادل و واقع‌گرایانه امرای تیموری و خصوصاً ملوک هرموز در گسترش هنرهای رایج آن دوران و همچنین تأمین امنیت تجاری در مناطق تحت نفوذ و اهمیت بخشیدن به تجارت دریایی و درآمدهای حاصل از آن باعث گردید که هرموز به‌عنوان کانون اصلی تجارت دریایی در خلیج فارس و حوزه اقیانوس هند تبدیل شده و تجارت آثار هنری، زیورآلات و سنگ‌های قیمتی نیز پررونق گردیده و ایران دوران تیموری، منافع اقتصادی و اجتماعی فراوانی را از این منظر به‌دست آورد.

منابع و مأخذ:

کتاب‌ها

- ابن بطوطه. (۱۳۶۱). سفرنامه. ترجمه: علی محمد موحد، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ابن ماجد، شهاب‌الدین. (۱۳۷۲). الفوائد فی البحر و القواعد، ترجمه: احمد اقتداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بابک‌راد، جواد. (۱۳۵۸). «آثار کشف شده دوران تاریخی ایران در جزیره قشم». در مجموعه مقالات هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی، دفتر سوم، به کوشش محمد روشن، تهران: انتشارات حیدری.
- برتشنايدر، امیلی. و. (۱۳۸۱). ایران و ماوراءالنهر در نوشته‌های چینی و مغولی سده‌های میانه، ترجمه: هاشم رجب‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- پطروشفسکی، ای. پی. (۱۳۵۷). کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران. ترجمه: کریم کشاورز، تهران: انتشارات نیل.
- (۱۳۵۹). تاریخ ایران، ایران در سده‌های میانه. ترجمه: سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: انتشارات دنیا.
- حافظ ابرو، عبدالله. (۱۳۸۰). زبده‌التواریخ، مقدمه و تصحیح و تعلیق سید کمال حاج سید جوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ.
- حسن، هادی. (۱۳۵۵). تاریخ دریانوردی ایرانیان. تهران: سازمان کشتیرانی ملی آریا.
- رابینسون، بد. (۱۳۸۰). تاریخ میراث ایران. ترجمه: جان زاده، تهران: انتشارات کبیر.
- رویمر، هانس، همکاران (۱۳۹۰). تاریخ ایران دوره تیموریان دانشگاه کمبریج. جلد ششم، ترجمه: یعقوب آژند، چاپ چهارم، تهران: نشر جامی.
- زکی، محمدحسین. (۱۳۷۲). تاریخ نقاشی ایران مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی، تهران: انتشارات سحاب.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳۸۳). مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین. محقق و مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شامی، نظام‌الدین. (۱۳۶۳). ظفرنامه تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی، مصحح پناهی سمنانی، تهران: سازمان نشر کتاب انتشارات بامداد.
- کاوتس، رالف؛ پتاک، رودریش. (۱۳۸۳). هرموز در منابع دوره‌های یوان و مینگ، ترجمه: مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

لسترنج، کای. (۱۳۶۴). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفانف تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

مارکوپولو. (۱۳۵۰). سفرنامه. ترجمه: حبیب‌الله صحیحی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

الماسی، مهدی. (۱۳۸۰). سیری در نگارستان نقاشی ایران، تهران: کانون پرورش کودکان و نوجوانان.

میرآخوند. (۱۳۸۰). تاریخ روضه‌الصفاء. تصحیح جمشید کیانفر، جلد ۱۱، ۶، تهران: انتشارات اساطیر.

میرجعفری، حسین. (۱۳۸۶). تاریخ تیموریان و ترکمانان. چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

نظامی باخرزی، عبدالواسع. (۱۳۵۷). منشاءالانشاء. به کوشش رکن الدین همایونفر، تهران: دانشگاه ملی ایران.

و ثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۴). تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار. تهران: انتشارات سمت.

ویلسن. (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه: حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات وحید.

مقالات

امامی، نصرالله. (۱۳۷۵). «فرهنگ و میراث فرهنگی (نگاهی به هنرهای اسلامی دوره تیموری)». مجله مشکوه، شماره ۵۳، ۱۶۷-۱۴۵.

بینش، تقی (مصحح). (۱۳۴۳). «جواهرنامه». مجله فرهنگ ایران زمین، شماره ۱۲.

پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۸۷). «سیری در هنر ایران». ترجمه: نجف دریابندری، ج ۱۰، مجله علمی و فرهنگی، تهران.

حامدی، محمدرضا؛ حیدری هوشیار، آذر. (۱۳۸۸). «هنرهای ظریفه عصر تیموری». نشریه تاریخ، دوره ۴، شماره ۱۵، ۳۵-۷.

رحیمی‌نژاد، سجاد؛ جاوید، مرضیه. (۱۳۹۵). «نقش هرموز در تبادلات اقتصادی خلیج فارس و اقیانوس هند در قرن هشتم و نهم». فصلنامه پژوهش و تاریخ، شماره ۱، پیاپی ۱۰، ۱۲۶-۱۰۷.

رسولی، علی. (۱۳۹۳). «نقش هرموز در تجارت عصر تیموری». تارنمای راسخون نت.

رفیعی، امیر تیمور. (۱۳۸۶). «سیری در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیموری». فصلنامه تاریخ، شماره ۶، سری ۲.

ساسان‌پور، شهرزاد. (۱۳۸۵). «روابط خارجی ایران در دوران شاهرخ تیموری». مجله تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۶ و ۲۷، ۲۰-۱.

شیاسی، مرتضی. (۱۳۹۷). «بررسی ساختار اقتصادی و فعالان بازرگانی عصر تیموری». تاریخ‌نامه خوارزمی، شماره ۲۲، ۸۰-۱۱۰.

علی‌پور، مرضیه. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر فلزکاری مکتب خراسان بر فلزکاری دوره صفویه». فصلنامه پژوهش هنر، شماره ششم، ۳۲-۴۶.

عوض‌نژاد، غلامرضا. (۱۳۷۸). «تاریخ ملوک هرمز از آغاز تا تشکیل دولت صفوی (قسمت اول)». مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۱، ۳۷-۴۱.

----- (۱۳۷۹). «تاریخ ملوک هرمز از آغاز تا تشکیل دولت صفوی (قسمت دوم)». مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۳، ۴۱-۴۷.

کاوسی، ولی‌الله. (۱۳۸۷). «زمینه‌های توسعه هنر در دوران تیموریان». مجله آینه خیال، بهمن و اسفند ماه - شماره ۱۲، ۲۴-۲۷.

مسعودی، ذبیح‌الله؛ محمودی نسب، علی‌اصغر؛ معروفی‌اقدام، اسماعیل. (۱۳۹۴). «پژوهشی بر هنر فلزکاری دوره تیموری». دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. آبان‌ماه.

ملازهی، نعیم؛ رسولی، علی؛ اسدی‌پور، حمید؛ قلیزاده، محمدرضا. (۱۴۰۱). «واکاوی سفارت عبدالرزاق سمرقندی در کالیکوت و بیجانگر و کارشکنی ملوک هرموز) با تکیه بر مطلع سعدین و مجمع بحرین». پژوهش‌نامه تمدن ایرانی، شماره هشتم، ۲۰۳-۲۱۷.

نوبین، حسین؛ معصومی نیارق، یاسمن. (۱۳۹۰). «بازتاب اوضاع اقتصادی در ادبیات دوره تیموری (بر مبنای دیوان اشعار کمال خجندی، نعمت‌الله ولی، قاسم انوار، عبدالرحمن جامی، امیر پازواری و شمس مغربی)». مجله تاریخ و ادبیات، شماره ۲.

پایان‌نامه‌ها

سرخوش، رضا. (۱۳۹۵). اقتصاد در عهد تیموریان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

منابع لاتین

Barbosa, D. (۱۹۹۶). A description of the Coast of Africa and Malabar, translated by Henry and Stanley, London.

Pires, T. (۱۹۴۴). The Sama Oriental of Tome Pires, trans by Armanda Cortesao, Hakluyt Society, London,